



مدیر موفق زن از فعالیت های محیط زیست خود گفت

کارمند سبز



شمعدانی پدرم الگوی کارم قرار گرفت

با او وارد صحبت می شوم. بدون هیچ مقدمه ای می پرسیم خانم کوثری! چگونه توانستید در کنار این همه حساسیت کار و برنامه ریزی آموزشی برای اداره، اتاق و محیط کارتان رابه سمت وسویی دیگر هدایت کنید؟ سمت وسویی که شاید خیلی ها هم بتوانند اما این کار را نمی کنند. او می گوید: گل ها تمام زندگی را برای من مرور می کنند. ایده ایجاد فضای سبز در محیط کار را از پدرم به ارث گرفتم. خداوند رحمت کند پدرم را، در محیط کارش همواره چندین و چند گلداران شمعدانی بزرگ داشت، چه زمانی که آن سال ها در حیاط بزرگ پدرم دور باغچه گلداران های بزرگ شمعدانی چیده می شد، چه سال ها بعد که پدر همیشه در محیط کارش گل های شمعدانی را جمع آوری می کرد.

روحیه دوست داشتن گل ها از پدر و مادر به من و سایر اعضای خانواده به ارث رسیده است. مادر نیز هنوز که هنوز است در کار پرورش گل و گیاه است و بیشتر پنجره های منزلش رابه جایگاه نگهداری گل ها و گلداران اختصاص داده است. هر وقت که به محیط کار پدر وارد می شدم در کنار آن همه فلز و اجسام سستگین یک حس تازگی و لطافت به انسان القا می شد. من کار پرورش گل و گلداران و سبزی فضا در خانه هم دارم اما بالاخره هر کارمند سهم زیادی از روز را در محیط کارش می گذراند و از آنجا که واحد ما هم رفت و آمد زیادی چه در میان همکاران و چه در میان ارباب رجوعان دارد برای همین ایده راه اندازی کلکسیون سبز از گیاهان در ذهنم جرقه خورد.

او ادامه می دهد: در ابتدای کار تعدادی از قلمه هایی که خودم در منزل از گیاهان می زدم را وارد خاک کردم و به محیط کار آوردم. کم کم که فضا شکل گرفت تعداد زیادی گلداران به محیط تزریق شد و در ادامه چون با همراهی و تشویق همکاران و ارباب رجوعان همراه شد، ادامه کار شدت گرفت و تا اینجا کار پیش رفت. این مدیر نمونه که این روزها هم زمان با کار پرورش گل ها و گیاهان در محیط کار روی موضوع شهروند سبز و کارمند سبز شدن نیز کار می کند، ادامه می دهد: در ادامه این روند با خود فکر کردم چه جایی بهتر از اداره آموزش و پژوهش که در کنار مباحث کاری به ترویج موضوع گل و گیاه با محوریت تنفس پاک بپردازد، به همین دلیل در کنار استفاده این فضا به علاقه مندان گل و گیاه آموزش های نحوه قلمه زدن انواع گیاهان و چگونگی تکثیر آن ها را آموزش می دهم.

برای هدیه گلداران و گل می خرم

کوثری در ادامه از ترویج این فرهنگ در زندگی شخصی اش می گوید و می افزاید: در زندگی شخصی نیز برای اطرافیان و دوستان هر بار

که بخواهم هدیه ای بخرم حتما گل یا گلدارانی همراه هدیه خواهم برد. گاهی هم هدیه گیاهی من از دسترنج خودم بوده و حاصل قلمه های خودم است. او معتقد است گل ها و گیاهان نقش بسزایی در آرامش زندگی اش بازی کرده اند و می افزاید: من با گل هایم زندگی می کنم. آن ها موجود زنده اند. صبح وقتی وارد اتاق کار می شوم به سراغ گل هایم می روم و با آن ها صحبت می کنم؛ دقیقا همانند زمانی که فردی مقابل می ایستاده و یا نشسته است. گل هایم سنگ صبور من در لحظات ناراحتی و همراه من در لحظات خوشحالی هستند. هر بار که گلداران یا جوشی می زند یا جوانه ای می دهد و گلی را بهر خمی کشد انگار فرزندی از من متولد شده است. این حس تنها مختص من نیست بلکه همه دوستداران گل ها و گیاهان همین حس را دارند.

یک ایده برای سایر همکاران در این راسته آلوده

این کارمند سبز در ادامه گفت و گو دومین عامل ایجاد انگیزه اش برای ایجاد این کلکسیون سبز راهوای آلوده راسته بولوار خیام عنوان می کند و می افزاید: عامل دیگر ایجاد این فضا هوای آلوده راسته بولوار خیام است. چون این راسته بولوار تقریباً در تمام روزهای سال هوای آلوده و ناسالمی دارد، با خود فکر کردم شهروندی که این مسیر را می پیماید تا برای کار اداری اش به سازمان ما مراجعه کند و با من کار داشته باشد حداقل در آن لحظاتی که در اتاق من است کمی هوای سالم استنشاق کند. او از اینکه این روزها همکاران و مخصوصاً ارباب رجوع های اداره از او به عنوان کارمند سبز یاد می کنند، خوشحال است و می گوید: چه خوب است که هر کدام از ما یک فرهنگ ساز باشیم. تا چه زمانی می خواهیم بنشینیم و بگوییم در فلان مقوله فلان دستگاه متولی است، باید فرهنگ سازی کرد. چرا هیچ وقت حاضر نیستیم از خودمان شروع کنیم. همواره می گوییم هوا آلوده است اما هیچ کداممان هم حاضر نیستیم خود رویمان را در منزل بگذاریم.

یک توصیه به جوان ترها

این بانوی موفق که علاوه بر کارمند سبز بودن

سوابقی چون مدیر نمونه زن استان، افتخارات مختلف ورزشی و نخبه علمی و دانشگاهی در مقاطع ارشد و دکتری را نیز در کارنامه فعالیت های خود دارد، به جوان ترها توصیه می کند که در تمام امور زندگی خدمت به خلق و حسن سلوک و بر خورد با دیگران و مخاطبان را در دستور کار قرار دهند و از همه مهم تر به گونه ای عمل کنند که دعای خیر پدر و مادر را به همراه داشته باشند. برای پدر و مادر خود گل بخرند و گلداران هدیه بدهند.

نویسنده کتاب قلب های کاغذی ادامه می دهد: هیچ گاه برای شروع دیر نیست هر زمان در زندگی احساس کردید، شکست خورده اید یا استرس دارید و دلهره بر دلتان مستولی شده، به سراغ گل ها و گیاهان بروید. حتی اگر امکانات و فضا ندارید لااقل چندین گلداران طبیعی در منزل و محل کار خود داشته باشید. این کار علاوه بر ایجاد روحیه نشاط و شادابی و انرژی به آرامش روحی و فکری شما کمک شایانی خواهد کرد. روزهایی برای من بوده است که با نگاه کردن به گلداران هایم و گذراندن چندین دقیقه در فضای سبز اتاق، انرژی دوباره ای به دست آورده ام و کارم را با آرامش بیشتری پیش برده ام.

همه فرزندانم را دوست دارم

وقتی از اومی خواهم در میان گلداران هایش یکی را برای نمونه به ما معرفی کند، با وسواس زیادی نگاهش به سمت گوشه دنج اتاق و محل استقرار گلداران های رود می گوید: نمی توانم انتخاب کنم. گلداران هایم برای من مثل فرزند هستند. همان طور که فرزندان را با هم و برابر دوست داریم، گلداران هایم هم برای من برابر هستند. من همه فرزندانم را به یک اندازه دوست دارم. مخصوصاً اینکه اکثر این گلداران ها را خودم از کوچکی بزرگ کرده ام. بزرگ ترین گلدارم اکنون شاید حدود ۱۵ سال سن داشته باشد.

وقتی گفت و گو تمام می شود حس تازه ای از مصاحبت دارم. شاید همان حس تازگی که خانم دکتر همواره در جای جای مصاحبه از آن سخن می گفت، همین حس است که اکنون بعد از یک گفت و گو کاری در روح من جاری شده است. گلداران هدیه این کارمند سبز به من آغاز ایجاد خانه سبز گیاهان من است....

بر هام پور منفردی - این روزها تنها دیدن دود سیاهی که از آگزوز خودروها بیرون می آید، توجهت را جلب می کند نه هیچ چیز دیگر. دیدن صحنه هایی که هر روز به دیدنش عادت کرده ای و دیدن آسمان آبی در شهرمان آن قدر بر ایمن رویایی شده که فکر نمی کنیم از ماکاری بر بیاید! آلودگی دست از سر هوای مشهد بر نمی دارد. هر روز می شنویم که آلودگی هوا در شهرها قربانی می گیرد و آسمان خاکستری، حال و هوای شهر را به هم ریخته است. این آلودگی تا جایی پیش رفته است که مرگ تدریجی انسان ها و حتی فضا های سبز شهری را رقم زده است. در همین خصوص با توجه به حساسیت موضوع، سؤره این هفته گزارش ما از نوع تنفس پاک و تمیز در دل این بولوار بر از دود و آلودگی است. گزارشی از یک اقدام سبز برای بانویی که این روزها در کارنامه کاری خود علاوه بر ثبت چندین و چند افتخار شهری، استانی و ملی در حوزه کار و پژوهش و علم، فعالیت های فرهنگی و ورزشی و از همه مهم تر محیط زیستی را در پرونده کاری و زندگی خود به ثبت رسانده است. کارمندی که این روزها خیلی ها از او با نام گلداران هایش یاد می کنند و این روزها محل کار او به کلکسیون ای گل های مختلف تبدیل شده است و همین امر باعث شده تا این روزها چه همکاران و چه ارباب رجوع ها، او را به عنوان کارمند سبز بخوانند.

از سفره خیام وارد بولوار خیام جنوبی می شوم. خیام جنوبی ۱۳۳۳ اداره کل تأمین اجتماعی خراسان رضوی است. از پله های اداره کل بالا می روم. طبقه دوم اداره آموزش و پژوهش است. چه سبزه چالشی میان فرهنگ سازی یک کار خوب و واحد آموزش یک اداره کل می تواند وجود داشته باشد. شاید بتوان این فعالیت را در رأس تمامی کارهای پژوهشی، علمی و حتی برنامه ریزی حوزه آموزش و پژوهش تعریف کرد.

در اتاق را باز می کنم. اولین چیزی که برق نگاهم را نوازش می دهد، پانسیون ای گل های مختلف سبز برگ است که حالا دیگر با گلداران های رنگی لعاب و طراوتشان دوچندان شده است؛ از بامبو خاکی و آبی گرفته تا دیفن و در اسنا و الوک تقره ای و بنت قنسول و واسپاتی فیلوم و شفلر و کاکتوس و... در این اجتماع همه گل ها با هم جمع اند و هیچ کدام نگاه برتری به دیگری ندارند. کاکتوس برای دارنده این گلداران ها همان قدر ارزش دارد که گل یخ با گل های صورتی درونش دارد. اینجا همه چیز یک رنگ دارد و آن هم رنگ پاک سبز گل هایی است که در اثر چندین سال کار عملی این روزها اتاق کار این بانوی جوان را به اتاق سبزی اداره کل تبدیل کرده است و حالا دیگر خیلی ها مثل من با ورود به این اتاق به جای پیگیری کار اداری شان چند دقیقه ای در رنگ در کنار این باغچه سبز کوچک را ترجیح می دهند.



گل ها تمام زندگی را برای من مرور می کنند. ایده ایجاد فضای سبز در محیط کار را از پدرم به ارث بردم